

چالش دلبستگی به دنیا و راهکار تربیت قرآنی با تأکید بر مفهوم «مَدَّ الْعَيْنِین» و «رِزْقِ رَبَّانِی»

رضا ملازاده یامچی* | میثم شعیب**

چکیده

دلبستگی مفرط به دنیا، چالشی ریشه‌دار در تجربه انسانی است که قرآن کریم آن را «زهرة الحیاة الدنیا» می‌خواند. این ویژگی در صورت افراط، به غفلت، اشتغال ذهنی، انحراف از حق و سقوط در دام فتنه‌های دنیوی منجر می‌شود، با پیامدهایی چون حسرت، اضطراب و آشفتگی خاطر. این پژوهش، با هدف ارائه الگوی تربیتی قرآنی برای مواجهه با این معضل، بر دو مفهوم محوری «مَدَّ الْعَيْنِین» و «رِزْقِ رَبَّانِی» تمرکز دارد.

«مَدَّ الْعَيْنِین»، به معنای پرهیز از نگاه با رغبت به آنچه دیگران دارند، نقش پیشگیرانه دارد. این نهی قرآنی با کنترل نگاه، از ورود جاذبه‌های مادی و حسرت به قلب جلوگیری کرده و فرد را از تأثیرپذیری تجملات بازمی‌دارد. در مقابل، «رِزْقِ رَبَّانِی» شامل ثواب اخروی، هدایت، ایمان و قناعت به رِزْقِ حلال، نقش ایجاد و مکمل دارد. این رِزْق، که بهتر و پایدارتر از متاع دنیوی است، قلب را با ارزش‌های پایدار سیراب می‌کند.

هم‌افزایی این دو مفهوم، الگویی جامع و منسجم با جنبه‌های پیشگیرانه و ایجاد و ارائه می‌دهد. «مَدَّ الْعَيْنِین» سد راه وسوسه‌ها و جاذبه‌های دنیوی می‌شود، در حالی که «رِزْقِ رَبَّانِی» با تقویت درونی، قلب را در برابر نوسانات مادی مقاوم ساخته و به طمأنینه الهی می‌رساند. این الگو به تحقق آرامش نفس، زهد حقیقی و زندگی متعادل کمک کرده و با هدف قرار دادن ریشه‌های دلبستگی به دنیا، به تربیت جامع انسان یاری می‌رساند.

کلیدواژه‌ها

دلبستگی به دنیا، تربیت قرآنی، مَدَّ الْعَيْنِین، رِزْقِ رَبَّانِی، قناعت، زهد.

* پژوهشگر پسا دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی) مشهد. ایران. (reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir) (نویسنده مسئول)

** دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (m.shoaib68@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶)

مقدمه

دلبستگی انسان به مظاهر دنیوی، پدیده‌ای دیرینه است که همواره در طول تاریخ بشر، چالش‌های فردی و اجتماعی متعددی را در پی داشته است. قرآن کریم، دنیا را با تعبیری همچون زهرة الحياة الدنيا (شکوفه زندگی دنیا) معرفی می‌کند که اشاره به ماهیت فانی و زودگذر آن دارد. این زهرة به معنای زینت، بهجت و نصارت دنیاست که با سرعت زوال و فناپذیری همراه است. این مفهوم از «تمتع»، شامل هر نوع بهره‌مندی و لذتی است که حواس انسان آن را درک می‌کند؛ از جمله بهره بردن از مناظر زیبا، اصوات دلنشین و سایر زینت‌های دنیوی (طوسی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۲۲۴). لازم به تأکید است که قرآن کریم، این لذت‌ها و طبیات را در ذات خود نکوهش نمی‌کند، بلکه رویکردی مبتنی بر «توازن» و عدم استغراق را ترویج می‌دهد (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج. ۱۵، ص. ۲۰۱). چالش و نقطه انحراف، زمانی آغاز می‌شود که این بهره‌مندی به «دلبستگی افراطی» و غفلت‌زا تبدیل گردد.

البته باید توجه داشت که نگاه قرآن کریم به دنیا و زینت‌های آن، نگاهی یک‌سره منفی و طردکننده نیست، بلکه نگاهی دوسویه و مبتنی بر یک رویکرد تربیتی است. دنیا در منطق قرآن، می‌تواند «متجر اولیاء الله» و مزرعه آخرت باشد؛ ابزاری برای رسیدن به آخرت و نه خود هدف (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج. ۷، ص. ۲۱۳). قرآن کریم در جایی دیگر، بهره‌مندی از زینت‌های الهی را نهی نکرده و می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف/ ۳۲) (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج. ۱۹، ص. ۲۲۷؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵ش، ج. ۱۷، ص. ۵۳۹). بنابراین، مسئله نه خود «زهرة الحياة الدنيا» و لذا ید مشروع آن، بلکه «نوع مواجهه و کیفیت تعلق قلبی» انسان به این مظاهر است. چالش اصلی که این پژوهش به آن می‌پردازد، «دلبستگی افراطی» و «استغراق» در این جلوه‌هاست که منجر به غفلت از هدف غایی خلقت و انحراف از مسیر حق می‌شود (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج. ۱۵، ص. ۱۹۶). در واقع، نهی آیه ۱۳۱ سوره طه، نهی از اصل بهره‌مندی، بلکه نهی از «مدّ

العینین» یعنی نگاه آرزومندانه و حسرت‌آمیزی است که زمینه را برای فتنه و انحراف فراهم می‌آورد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۳، ص. ۹۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج. ۲۲، ص. ۱۱۴). از این رو، این مقاله در صدد است تا با تفکیک میان «دنیای ممدوح» به عنوان ابزار تعالی و «دنیای مذموم» به عنوان هدف و غایت، الگوی تربیتی قرآن برای مدیریت این چالش را تبیین نماید؛ رویکردی که به جای طرد کامل، بر «توازن» در تعامل با دنیا تأکید دارد (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج. ۱۵، ص. ۲۰۱).

دل‌بستگی افراطی به این مظاهر، می‌تواند قلب را به غفلت کشانده، فکر را مشغول سازد، و منجر به انحراف از مسیر مستقیم حق و لغزش در دام مغریات دنیوی شود. این تمایل به زخارف دنیوی، در نگاه مفسران، وسوسه شیطان، مخالف با خداوند و پیروی از آمال نفس را در پی دارد و انسان را از ذکر الهی و توجه به حقایق باطنی باز می‌دارد. چنین دل‌بستگی‌ای می‌تواند به حسرت و طولانی شدن غم منجر شود. همچنین، اضطراب و تبلیل خاطر ناشی از ترس و توقع، از دیگر پیامدهای این چالش به شمار می‌رود.

در مواجهه با چالش‌های تربیتی انسان، از جمله دل‌بستگی به دنیا، قرآن کریم به عنوان منبع هدایت و تربیت، جایگاهی بی‌بدیل دارد. آموزه‌های قرآنی، ظرفیت آن را دارند که به عمق مسائل روحی و اخلاقی بشر پردازند و راهکارهایی ریشه‌ای و پایدار ارائه دهند. استخراج راهکارهای تربیتی از بطن کلام الهی، با اتکا بر آراء و استدلالات مفسران، این امکان را فراهم می‌آورد که فهمی جامع و دقیق از دیدگاه قرآن در این زمینه به دست آید. مفسران معتقدند که خطاب‌های قرآنی، اگرچه در ظاهر ممکن است متوجه پیامبر ﷺ باشد، اما در حقیقت شامل عموم مکلفین و امت ایشان است. این رویکرد، نه تنها به تصحیح تصورات نادرست درباره معیارهای سعادت و شقاوت می‌پردازد، بلکه با تبیین حکمت الهی در تقسیم روزی و متاع دنیوی (که برای ابتلا و آزمایش است)، انسان را به سوی قناعت، طمأنینه نفس و اتکا به فضل الهی سوق می‌دهد.

ماهیت «زهرة الحياة الدنيا» و پیامدهای تربیتی دلبستگی به آن

تبیین مفهومی

قرآن کریم در آیه ۱۳۱ سوره طه، ضمن نهی پیامبر اکرم ﷺ و در امتداد آن، عموم مکلفین از دلبستگی به جلوه‌های مادی دنیا، به ماهیت فریبنده زهرة الحياة الدنيا اشاره می‌کند. این تعبیر، واکاوی دقیقی از حقیقت دنیا و جذابیت‌های آن ارائه می‌دهد که در ادامه به تفصیل بررسی می‌شود.

معنای لغوی و اصطلاحی زهرة الحياة الدنيا

زهرة از ریشه زهر به معنای نور و روشنایی است و به انواری اطلاق می‌شود که هنگام رؤیت، چشم را خیره می‌کند. از این رو، به ستاره‌ای که می‌درخشد و نورش پدیدار می‌شود، زاهر گفته می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۲۲۴). در اصطلاح تفسیری، مفسران زهرة الحياة الدنيا را به زینت، بهجت و نصارت زندگی دنیا تفسیر کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج. ۸، ص. ۵۹۰). این تعبیر شامل تمامی زیبایی‌ها و جلوه‌های فریبنده دنیا، از جمله اموال، اولاد، خانه‌ها، لباس‌ها، خوراکی‌ها و سایر لذایذ مادی می‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج. ۸، ص. ۵۹۰). ابن عباس و قتاده به صراحت زهرة الدنيا را زينة الدنيا دانسته‌اند (ابن عباس، بی‌تا، ص. ۲۶۸). طبری نیز این تعبیر را به زینت عاجل دنیا و نضرتهای تفسیر کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۶، ص. ۱۶۹).

تشبیه دنیا به گل (زهرة) با تأکید بر سرعت زوال و عدم دوام آن

تشبیه دنیا به زهرة (گل یا شکوفه) در آیه، حکایت از سرعت زوال و فناپذیری نعمت‌های دنیوی دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج. ۱۰، ص. ۱۱۱). همان‌طور که گل‌ها (زهر) منظری زیبا و چشم‌نواز دارند اما سریعاً پژمرده شده و از بین می‌روند، نعمت‌ها و زیبایی‌های دنیا نیز فانی و ناپایدارند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج. ۱۹، ص. ۲۲۷). مقاتل بن سلیمان زهرة الحياة الدنيا را زينة الدنيا معرفی می‌کند که برای آزمایش انسان‌ها داده شده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج. ۳، ص. ۴۶). طباطبایی زهرة الحياة الدنيا را

به منزله‌ی تفسیری برای ما متعنا به دانسته و آن را زینت و بهجت زندگی دنیا می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۱۴، ص. ۲۳۸). زمخشری نیز این تشبیه را بیانگر ناپایداری و تفاوت با حقیقت مؤمنان و صالحان (از لحاظ شادابی و تنعم) می‌داند و آنان را به دلیل صفا و تهلل وجوهشان زاهرین دنیا می‌خواند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۳، ص. ۹۷). بیضاوی و نسفی نیز زهرة را به زینه و بهجت معنا کرده‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج. ۴، ص. ۴۳؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج. ۳، ص. ۱۱۴). سبحانی نیز این تشبیه را بیانگر این حقیقت می‌داند که همان‌گونه که شکوفه درخت زینت آن است، اموال و فرزندان نیز زینت زندگی دنیوی هستند که سریع‌الذبول و افول‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵ش، ج. ۱۷، ص. ۵۳۸-۵۳۹).

پیامدهای تربیتی دل‌بستگی به دنیا از دیدگاه مفسران

نهی از مدّ العینین به سمت زهرة الحیاة الدنیا، پیامدهای تربیتی عمیقی را در پی دارد که مفسران به ابعاد مختلف آن اشاره کرده‌اند. این پیامدها نشان می‌دهند که چگونه دل‌بستگی افراطی به مظاهر دنیوی می‌تواند به انحراف انسان از مسیر حق و سعادت منجر شود.

ایجاد وسوسه شیطان، مخالفت با خداوند و آرزوهای نفسانی

تستری بیان می‌کند که نگاه به آنچه وسوسه شیطان، مخالفت با خداوند و آرزوهای نفسانی را به ارث می‌گذارد، ممنوع است (تستری، ۱۴۲۳ق، ۱۰۳). این دیدگاه نشان می‌دهد که چشم دوختن به مظاهر دنیوی، دروازه‌ای برای ورود وسوسه‌های شیطانی و گرایش به خواسته‌های نفسانی است که در نهایت به مخالفت با دستورات الهی می‌انجامد (تستری، ۱۴۲۳ق، ۱۰۳). ابن عربی مدّ العینین را در تلوینات نفسانی و ظهور نفس با میل به زر و زیورهای دنیوی می‌داند، زیرا این‌ها صور ابتلا و آزمایش اهل دنیا هستند (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج. ۲، ص. ۳۷).

قطع شدن از ذکر خداوند و عدم توجه به ارزش‌های معنوی:

تستری همچنین اشاره می‌کند که هر یک از مواردی مانند وسوسه شیطان، مخالفت با خداوند و

آرزوهای نفسانی، انسان را از ذکر الله عزوجل باز می‌دارد (تستری، ۱۴۲۳ق، ص. ۱۰۳). این بدان معناست که دلبستگی به دنیا، مانعی برای توجه به ارزش‌های معنوی و ارتباط با خالق می‌شود. قشیری نیز بیان می‌کند که فتنه همان چیزی است که انسان را از حق مشغول می‌کند، حب آن بر قلب مستولی می‌شود، وجودش را بر معصیت جسور می‌کند و بهره‌مندی از آن را به بطر و تباهی می‌کشاند (قشیری، ۲۰۰۰م، ج. ۲، ص. ۴۸۸).

حسرت و طولانی شدن غم ناشی از دیدن آنچه در دست دیگران است

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشستند و فرمودند: هر کس با تسلائی خداوند آرام نگیرد، نفسش از حسرت بر دنیا تکه‌تکه می‌شود و هر کس دیده‌اش را به آنچه در دست مردم است بدوزد، غمش طولانی شده و خشمش درمان نمی‌یابد (قمی، ۱۳۶۳ش، ج. ۲، ص. ۶۶). طبرسی نیز این روایت را ذکر می‌کند و از ابی بن کعب نقل می‌کند که هر کس با تسلائی خدا آرام نگیرد، نفسش از حسرت بر دنیا تکه‌تکه می‌شود و هر کس بصرش را به آنچه در دست مردم است دنبال کند، حزنش طولانی می‌شود و غیظش شفا نمی‌یابد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج. ۷، ص. ۵۹).

اضطراب نفس، تبلیل بال و نگرانی‌های ناشی از تعلقات دنیوی

ابن عاشور فتنه را اضطراب نفس و تبلیل بال از ترس یا توقع یا پیچیدگی امور تعریف می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۶، ص. ۲۰۶). مفسران بیان کرده‌اند که متعه کردن کفار با زر و زیور دنیا برای امتحان و ابتلا است (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶، ص. ۱۶۹). در این امتحان، قلب‌ها دچار پریشانی و اضطراب می‌شوند، زیرا در معرض آزمایش الهی قرار می‌گیرند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۶، ص. ۲۰۶). این اضطراب ناشی از ذات فناپذیر دنیا و وابستگی به چیزی است که ثبات و دوام ندارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۶، ص. ۲۰۶). طبری «لنفتنهم فیه» را به معنای «لنختبرهم فیما متعناهم به من ذلک و نبتلیمهم» می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶، ص. ۱۶۹). سبحانی نیز می‌گوید که خداوند آنان را جز برای امتحان و آزمایششان متعه

نکرده است (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵ ش، ۱۷، ص. ۵۳۸).

انحراف از صراط مستقیم و لغزش به سمت مغریات و شهوات

محمد حسین فضل‌الله بیان می‌دارد که اگر چشم و دل انسان به زخارف و مباهج دنیا مشغول شود، آرزو می‌کند آنچه دیگران دارند را داشته باشد و احساس حسرت می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۵، ص. ۱۹۵). این حسرت می‌تواند او را به سمت تجاوز به حقوق دیگران و روش‌های غیرشرعی برای دستیابی به خواسته‌هایش سوق دهد. در نتیجه، انسان از صراط مستقیم منحرف شده و به مهاوی دنیا و مغریات آن سقوط می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۵، ص. ۱۹۶). طبرسی نیز اشاره می‌کند که یکی از معانی لفتنهم فیه، لنشدد علیهم‌التعب (برای سخت‌تر کردن تکلیف بر آنها) است، زیرا رویگردانی از دنیا در حضور آن و اقبال به سوی خدا، دشوارتر از رویگردانی در غیاب آن است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج. ۷، ص. ۷۰). این امر نشان می‌دهد که دل‌بستگی به دنیا، مانع از حرکت در مسیر صحیح عبودیت و موجب لغزش در گناهان می‌شود. طبری این موارد را غرور و خدعه می‌داند که زائل‌شدنی هستند (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۱۶، ص. ۱۶۹). زمخشری نیز اشاره می‌کند که نگاه کردن به زخارف، هدف آنان (ظالمان) را محقق می‌سازد و آنان را بر این کار تشویق می‌کند. این نگاه، می‌تواند منجر به استحقاق عذاب شود (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج. ۳، ص. ۹۷).

«مَدَّ العینین» به مثابه نهی تربیتی و راهکار کنترل نگاه

آیه ۱۳۱ سوره طه، با نهی صریح از مَدَّ العینین، یک اصل تربیتی بنیادین را مطرح می‌کند که مستلزم کنترل نگاه و رویکرد انسان به مظاهر دنیوی است. این نهی صرفاً یک دستور اخلاقی نیست، بلکه راهکاری برای محافظت از روح و روان در برابر آسیب‌های دل‌بستگی به دنیا است.

مفهوم‌شناسی

معنای «مَدَّ العینین» از نگاه مفسران

مفسران مَدَّ العینین را به معنای طولانی کردن نگاه و عدم بازگرداندن آن به دلیل استحسان و اعجاب به

منظور دیده شده و تمنّی داشتن مثل آن برای خود تفسیر کرده‌اند. این حالت، صرفاً دیدن نیست، بلکه شامل رغبت و میل شدید قلبی به آنچه دیده می‌شود، است. زمخشری این مفهوم را به تطویل نظر و نپذیرفتن بازگشت آن در اثر استحسان و اعجاب نسبت به آنچه دیده می‌شود، تشبیه می‌کند، همانند حالتی که برای ناظران قارون پیش آمد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۳، ص. ۹۷). ابوالسعود مدّ العینین را طولانی کردن نگاه همراه با رغبت و میل می‌داند (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج. ۶، ص. ۵۰). ماوردی نیز دو وجه برای مدّ العینین ذکر می‌کند: یکی به معنای نظر و دیگری به معنای اسف (ماوردی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۴۳۳). ابن عباس نیز مدّ العینین را به معنای (نگاه کردن همراه با رغبت) دانسته است (ابن عباس، بی‌تا، ص. ۲۶۸).

تفاوت مدّ العینین با نظر عادی و معفو بودن نگاه گذرا (غض بصر):

مدّ العینین با نگاه عادی و گذرا تفاوت دارد. نگاهی که به سرعت برگردانده شود و با رغبت و میل شدید همراه نباشد، معفو است. زمخشری و فخر رازی اشاره می‌کنند که نظر غیر ممدود (یعنی نگاهی که طولانی نشود و فرد بلافاصله چشم برگرداند)، معفو عنه است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۳، ص. ۹۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج. ۲۲، ص. ۱۱۴). این امر نشان می‌دهد که نفس دیدن مانعی ندارد، بلکه دل‌بستگی و طولانی کردن نگاه به همراه رغبت است که نهی شده است.

کنایه از تعلق قلبی، حب شدید و دل‌بستگی به دنیای دیگران

بسیاری از مفسران، مدّ العینین را کنایه از تعلق قلبی، حب شدید و دل‌بستگی به زرق و برق دنیا و آنچه در دست دیگران است، می‌دانند. این تعبیر به این معناست که نهی در آیه، تنها به نگاه فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه نهی از یک حالت روانی و قلبی است که در آن، نفس به مظاهر دنیوی دیگران گره می‌خورد و آرزوی داشتن آن را پیدا می‌کند. ابن عربی بیان می‌کند که این نهی شامل هر دو چشم ظاهری (بصر) و چشم باطنی (بصیرت) می‌شود و به نوعی اشاره به شش‌شوی چشم‌های ظاهری و باطنی از آلودگی رؤیت دنیا و آخرت دارد (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج. ۲، ص. ۳۷). طباطبایی مدّ العین را مد نظر و طولانی کردن آن و کنایه از تعلق و حب به آن می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۴، ص. ۲۳۸).

ابعاد تربیتی نهی از مَدّ العینین:

نهی از مَدّ العینین دارای ابعاد تربیتی متعددی است که هدف آن، ایجاد تعادل روحی و معنوی در فرد و جامعه است.

لزوم کنترل نگاه و چشم‌پوشی از زرق و برق دنیوی

این آیه بر لزوم کنترل نگاه و چشم‌پوشی از زرق و برق دنیا تأکید دارد. مفسران به ویژه بر ضرورت غصّ بصر از ساختمان‌های ظالمان و وسایل زندگی فاسقان (مانند لباس‌ها و مرکب‌هایشان) تأکید کرده‌اند. الحسن بصری می‌گوید: به صدای سمّ استران فاسقان نگاه نکنید، بلکه ببینید چگونه ذلّت معصیت از آن گردن‌ها هویدا می‌شود (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج. ۳، ص. ۱۱۳؛ فتح البیان، ۱۴۲۰ق، ج. ۴، ص. ۳۸۴؛ روح البیان، بی‌تا، ج. ۵، ص. ۴۴۶؛ اساس فی التفسیر، ۱۴۲۴ق، ج. ۷، ص. ۳۴۱۴). این تأکید به این دلیل است که این افراد این چیزها را برای جلب نگاه ناظران و فخر فروشی فراهم کرده‌اند و نگاه کردن به آن‌ها، هدفشان را محقق کرده و آنان را بر این کار تشویق می‌کند.

پیشگیری از حسرت‌ورزی و تأسف

نهی از مَدّ العینین به منظور جلوگیری از حسرت‌ورزی و تأسف بر آنچه انسان ندارد، صورت گرفته است. هنگامی که انسان نگاه خود را به آنچه دیگران از نعمت‌های دنیوی دارند، می‌دوزد و با رغبت به آن می‌نگرد، زمینه برای حسرت و تأسف فراهم می‌شود. ابن عطیه نیز این نهی را (رساتر) از صرف می‌داند، زیرا مَدّ بصر بر حرص همراه است، در حالی که نظر ممکن است بدون حرص باشد (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۷۴). طبری نیز می‌گوید که این آیه برای تعزیت پیامبر ﷺ از دنیا نازل شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶، ص. ۱۷۰).

تقویت روحیه قناعت و عدم تأثر از فقر خویش

این آیه به مؤمنان می‌آموزد که به داشته‌های خود قانع باشند و از غنای دیگران متأثر نشوند. واقعه‌ای

که در آن پیامبر اکرم ﷺ از یک یهودی طعام قرض خواستند و او جز با رهن دادن چیزی به پیامبر ﷺ قرض نداد، و پیامبر ﷺ مجبور شدند زره خود را رهن دهند، یکی از اسباب نزول این آیه ذکر شده است. این حادثه، تعزیه‌ای برای پیامبر ﷺ نسبت به دنیا و تقویت‌کننده روحیه قناعت در ایشان و پیروانشان بود. سبحانی نیز این آیه را بیانگر این نکته می‌داند که اصل در زندگی مؤمن، تمسک به ارزش‌های معنوی است، نه فراموش کردن آن‌ها به دلیل زرق و برق دنیا (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵ش، ج. ۱۷، ص. ۵۳۹).

مبارزه با منشأ حرص و طمع

مدّ العینین می‌تواند منشأ حرص و طمع باشد. این نهی، در واقع مبارزه با ریشه‌های این صفات منفی در انسان است. نگاه طولانی به آنچه دیگران دارند، حرص و طمع را در انسان تحریک می‌کند و او را به سمت آرزوهای نفسانی و دستیابی به مال و مقام به هر وسیله‌ای سوق می‌دهد. این امر می‌تواند منجر به انحراف از مسیر حق و نادیده گرفتن حقوق دیگران شود.

رزق ربّانی و جایگاه آن در تربیت قناعت و زهد

در مقابل زهرة الحیاة الدنيا که گذرا و فریبنده است، آیه شریفه و رزق ربک خیر و ابقى (طه / ۱۳۱) مفهوم رزق ربّانی را مطرح می‌کند که راهکاری بنیادین برای تربیت قناعت و زهد در انسان است. این بخش به تبیین مفهوم رزق ربّانی و مصادیق آن از دیدگاه مفسران می‌پردازد.

مفهوم‌شناسی رزق ربّانی و مصادیق آن

تفسیر خیر و ابقى

رزق ربّانی در آیه به عنوان خیر و ابقى توصیف شده است؛ به این معنا که روزی پروردگار بهتر و پایدارتر از نعمت‌های مادی دنیا است. این برتری و دوام، از آن جهت است که روزی الهی فنا و زوال ندارد و انقطاعی برای آن نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۱۴، ص. ۲۳۸). برخلاف متاع دنیوی که فانی

و زائل است و غرور و خدعه‌ای بیش نیست (طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۶، ص. ۱۶۹). مقاتل بن سلیمان رزق ربّانی را بهتر و دائم‌تر از آنچه کفار مکه به آن دست یافته‌اند، می‌داند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج. ۳، ص. ۴۶). طبرانی و طبری نیز خیر را به معنای افضل و اَبْقَى را به معنای اَدوم تفسیر کرده‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۴، ص. ۲۷۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۶، ص. ۱۶۹). این تفضیل، به دلیل سلامت و بقای رزق ربّانی در مقایسه با عواقب سوء و فتنه‌های رزق دنیوی است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج. ۱۶، ص. ۲۰۶).

مصادیق رزق ربّانی از منظر مفسران

مفسران برای رزق ربّانی مصادیق متعددی ذکر کرده‌اند که همگی بر جنبه‌های معنوی، اخروی و پایدار این رزق تأکید دارند:

ثواب اخروی و بهشت جاودان: غالب مفسران، رزق ربّانی را به ثواب الهی در آخرت و بهشت جاودان تفسیر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۶، ص. ۱۶۹؛ طوسی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۲۲۴؛ ماوردی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۴۳۳؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج. ۳، ص. ۱۱۴؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج. ۶، ص. ۵۰). این روزی، وعده خداوند به پیامبر ﷺ و مؤمنان است که در آخرت نصیبشان خواهد شد و به دلیل انقطاع ناپذیری، دائم‌تر است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۶، ص. ۱۶۹؛ طوسی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۲۲۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج. ۴، ص. ۴۳).

نبوّت، رسالت، توحید، ایمان و هدایت: برخی مفسران، رزق ربّانی را شامل نعمت‌های بزرگی چون نبوّت، رسالت، توحید، ایمان و هدایت دانسته‌اند (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج. ۷، ص. ۳۲۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۳، ص. ۹۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج. ۲۲، ص. ۱۱۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج. ۴، ص. ۴۳؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج. ۶، ص. ۵۰). این موارد، از حیث ارزش و بقا، برتر از هرگونه متاع دنیوی هستند و در زمره عالی‌ترین عطایای الهی قرار می‌گیرند (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج. ۸، ص. ۸۴۰).

قناعت و زهد در دنیا: قناعت به آنچه انسان مالک آن است و زهد در آنچه مالک نیست، از مصادیق رزق ربّانی شمرده شده است (ماوردی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۴۳۳). همچنین، روزی کمی که با

طاعت و رضایت همراه باشد و مایه طغیان نشود، از روزی کثیر دنیوی بهتر و باقی تر است (قشیری،

۲۰۰۰م، ج. ۲، ص. ۴۸۸؛ ماوردی، بی تا، ج. ۳، ص. ۴۳۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج. ۸، ص. ۵۹۰).

رزق حلال و پاکیزه که مایه طغیان نیست: برخی مفسران، رزق ربّانی را رزق حلالی می دانند که مایه طغیان و سرمستی نمی شود و به دلیل آنکه خداوند تنها آنچه حلال و پاک است را به خود نسبت می دهد، خیر و اُبقی است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۳، ص. ۹۷). این رزق، هرچند کم باشد، اما به دلیل رضایت خداوند، از رزق حرام و فراوان بهتر است (قشیری، ۲۰۰۰م، ج. ۲، ص. ۴۸۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج. ۸، ص. ۵۹۰). همچنین، برخی به غنائم و فتوحات حاصل از جهاد در راه خدا نیز اشاره کرده اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج. ۸، ص. ۵۹۰).

مفهوم رزق ربّانی در آیه ۱۳۱ سوره طه، نه تنها تبیینی از ماهیت روزی الهی ارائه می دهد، بلکه نقش کلیدی در تربیت روحی و اخلاقی انسان، به ویژه در زمینه قناعت و رضایت دارد.

ایجاد توازن و عدم استغراق در دنیا

تأکید بر رزق ربّانی که خیر و اُبقی است، به انسان کمک می کند تا در مواجهه با زرق و برق دنیوی، توازن خود را حفظ کند و از استغراق در آن بپرهیزد (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج. ۳، ص. ۲۴۴). این آگاهی که متاع دنیا زهرة زائلة و نعمة حائلة است، مانع از این می شود که انسان تمام همت خود را مصروف آن کند (مراغی، بی تا، ج. ۱۶، ص. ۱۶۶). ابن عاشور بیان می کند که آیه، رزق مؤمنین را که در دنیا با شکر همراه است، بهتر و ماندگارتر از رزق کافران می داند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج. ۱۶، ص. ۲۰۶). میدانی نیز اشاره دارد که آگاهی از محدودیت و فناپذیری زندگی دنیا در مقایسه با ابدیت آخرت، به انسان در حفظ توازن کمک می کند (میدانی، ۱۳۶۱ش، ج. ۸، ص. ۳۷۲). این مفهوم دعوت به توازن در نگاه به دنیا است، نه دوری کامل از آن (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج. ۱۵، ص. ۲۰۱).

تسلای پیامبر ﷺ و مؤمنان در برابر فقر و غنای دیگران

بسیاری از مفسران، نزول این آیه را در مقام تسکین و تعزیت پیامبر اکرم ﷺ در برابر فقری که

گاهی با آن روبرو می‌شدند و در مقایسه با غنای کفار و مترفین، دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۲، ص. ۱۱۴؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج. ۷، ص. ۳۲۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۴، ص. ۲۷۰). از جمله نقل شده است که پیامبر ﷺ برای مهمانی که داشتند، از یهودی طعامی قرض خواستند، اما او بدون رهن حاضر به این کار نشد و پیامبر ﷺ زره خود را رهن گذاشتند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶، ص. ۱۷۰؛ طوسی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۲۲۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۲، ص. ۱۱۴؛ ماوردی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۴۳۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۱۴۲۰ق، ج. ۴، ص. ۳۸۴؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۱۹، ص. ۲۲۷). نزول این آیه پس از این واقعه، برای تسلای دل مبارک ایشان و مؤمنان بود که رزق پروردگار، بهتر و ماندگارتر از هر آنچه در دست دیگران است، می‌باشد (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۴، ص. ۲۷۰؛ صدیق‌حسن‌خان، ۱۴۲۰ق، ج. ۴، ص. ۳۸۴). این تعزیت به مؤمنان کمک می‌کند تا از غنای دنیوی دیگران غمگین نشده و به فقر خود حسرت نخورند (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ۱۶، ص. ۳۰۶).

تشویق به رضایت قلبی به آنچه از سوی خداوند مقدر شده است

رزق ربّانی تشویق‌کننده به رضایت قلبی و قناعت به رزقی است که خداوند برای انسان مقدر کرده است (ماوردی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۴۳۳). علی‌علیه می‌فرمایند: خداوند مردم را با اموال و اولاد آزمایش می‌کند تا راضی و ناراضی به رزقش مشخص شوند (سیحانی تبریزی، ۱۳۹۵ش، ۱۷، ص. ۵۳۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج. ۵، ص. ۲۵۴). این رضایت، آرامش و اطمینان خاطر را به ارمغان می‌آورد و از قلق و اضطراب ناشی از طمع‌ورزی می‌کاهد (میدانی، ۱۳۶۱ش، ج. ۸، ص. ۳۷۲).

تمرکز بر کسب رزق حلال و عدم طمع در مال حرام

از آنجایی که رزق ربّانی با حلال و طیب بودن گره خورده و خداوند تنها رزق حلال را به خود نسبت می‌دهد، این مفهوم به تمرکز بر کسب روزی حلال و عدم طمع در مال حرام تشویق می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۳، ص. ۹۷). رزق حلال، هرچند کم باشد، اما رضایت خداوند را در پی دارد و از مال کثیر حرام که سخط الهی را به دنبال دارد، بهتر است (قشیری، ۲۰۰۰م، ج. ۲، ص. ۴۸۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق،

ج. ۸، ص. ۵۹۰). این امر بیانگر آن است که ارزش رزق نه به کمیت آن، بلکه به کیفیت و مشروعیت آن و عاقبت خیری که در پی دارد، بستگی دارد (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج. ۴، ص. ۳۸۴).

الگوی تربیتی هم‌افزا: مدّ العینین و رزق ربّانی در مواجهه با دلبستگی به دنیا

تبیین هم‌افزایی مفاهیم در یکپارچگی تربیتی

پیش از تبیین ابعاد الگوی تربیتی آیه، لازم است به نقد داوران مبنی بر لزوم اثبات ارتباط میان دو مفهوم «مدّ العینین» و «رزق ربّانی» پاسخ داده شود. این ارتباط، یک فرض تحمیلی بر آیه نیست، بلکه مستقیماً از ساختار بلاغی و معنایی خود آیه ۱۳۱ سوره طه برمی‌خیزد. آیه شریفه با یک نهی قاطع آغاز می‌شود: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ...» و بلافاصله پس از آن، با حرف «و» یک گزاره ایجابی و جایگزین را معرفی می‌کند: «وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى». این تقابل و جایگزینی ساختاری، خود بزرگترین دلیل بر وجود یک رابطه دیالکتیکی و مکمل میان این دو مفهوم است.

این پیوند ساختاری، یک الگوی تربیتی دومارحله‌ای را پایه‌ریزی می‌کند:

۱. جنبه پیشگیرانه و سلبی (تخلیه): نهی از «مدّ العینین» به مثابه بستن ورودی‌های قلب به روی جاذبه‌های فریبنده و زودگذر دنیوی عمل می‌کند. این نگاه آرزومندانه که سرچشمه حسرت، اضطراب و طمع است، باید مهار شود (قمی، ۱۳۶۳ش، ج. ۲، ص. ۶۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۶، ص. ۲۰۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۷۴).

۲. جنبه ایجاد و مثبت (تحلیه): معرفی «رزق ربّانی» به عنوان جایگزینی «بهتر و پایدارتر» (خیر و أبْقَى) (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶، ص. ۱۶۹؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۴، ص. ۲۳۸)، خلأ ناشی از رویگردانی از دنیا را با ارزشی متعالی و ماندگار پر می‌کند. این رزق که مصادیق آن ثواب اخروی، هدایت، ایمان و قناعت است (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج. ۷، ص. ۳۲۱؛ طوسی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۲۲۴؛ ماوردی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۴۳۳)، قلب را سیراب کرده و به آن طمأنینه می‌بخشد (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج. ۳، ص. ۲۴۵).

بنابراین، ارتباط این دو مفهوم، ارتباطی ارگانیک و دوسویه است؛ نه می‌توان بدون رویگردانی از زینت‌های فانی (ترک مدّ العینین)، به حقیقت رزق پایدار الهی دل بست و نه می‌توان صرفاً با نهی، قلب را از تمایلات خالی نگه داشت، مگر آنکه جایگزینی برتر برای آن تعریف شود. این هم‌افزایی، یک راهکار جامع برای مدیریت دل‌بستگی به دنیا ارائه می‌دهد که هم ریشه‌های روانی طمع را هدف قرار می‌دهد و هم مسیری جایگزین برای نیل به آرامش حقیقی را ترسیم می‌کند. در ادامه، دستاوردهای این الگوی ترکیبی بررسی می‌شود.

این دو مفهوم در کنار یکدیگر به گونه‌ای عمل می‌کنند که فرد را از حرص و طمع نسبت به آنچه دیگران دارند باز می‌دارند و او را به سوی رضایت و قناعت به آنچه خداوند به او بخشیده است، سوق می‌دهند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۱۹، ص. ۲۲۷).

برخی مفسران، «أزواجاً» را به معنای «اقوام و اصناف کفار» (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶، ص. ۱۷۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۳، ص. ۹۷؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج. ۳، ص. ۱۰۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج. ۴، ص. ۴۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۱۹، ص. ۲۲۷) یا «مردان» (ابن عباس، ۲۶۸) یا «انواع نعم دنیا» (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۴، ص. ۲۷۰) یا «اشکالی از کفار» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۲، ص. ۱۱۴) یا «رجالی از بنی قریظه و نصیر» (دینوری، ۱۴۲۴ق، ج. ۲، ص. ۱۶) می‌دانند که خداوند به آنان متاع دنیا را بخشیده است. *زهرة الحياة الدنيا* نیز به «زینت و بهجت زندگی دنیا» (ابن عباس، ۲۶۸؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج. ۳، ص. ۴۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶، ص. ۱۷۰؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۴، ص. ۲۷۰؛ طوسی، [بی‌تا]، ج. ۷، ص. ۲۲۴؛ ماوردی، [بی‌تا]، ج. ۳، ص. ۴۳۳؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، ج. ۷، ص. ۴۷۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج. ۷، ص. ۵۹؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج. ۶، ص. ۵۰؛ حوی، ۱۴۲۴ق، ج. ۷، ص. ۳۴۱۴) تعبیر شده است. این متاع دنیا، برای «امتحان و آزمایش» کفار است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج. ۳، ص. ۴۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶، ص. ۱۶۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۴، ص. ۲۷۰؛ دینوری، ۱۴۲۴ق، ج. ۲، ص. ۱۶؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج. ۷، ص. ۳۹؛ طوسی، [بی‌تا]، ج. ۷، ص. ۲۲۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج. ۴، ص. ۴۳؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج. ۳، ص. ۱۰۷؛ میدانی، ۱۳۶۱ش، ج. ۸، ص. ۲۲۹؛

مراغی، [بی تا]، ۱۶، ص. ۱۶۶؛ کشاف، ۱۴۲۴ق، ج. ۵، ص. ۲۵۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵ش، ۱۷، ص. ۵۳۹). امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید خداوند مردم را با مال و فرزندان آزمایش می‌کند تا ناراضی از رزق و راضی به قسمت خویش مشخص شود (کشاف، ۱۴۲۴ق، ج. ۵، ص. ۲۵۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵ش، ۱۷، ص. ۵۳۹). همچنین گفته شده است که «لِنَفْتِيَهُمْ» به معنای «به عذابشان بکشانیم» نیز می‌باشد (ماوردی، [بی تا]، ج. ۳، ص. ۴۳۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۲، ص. ۱۰۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج. ۴، ص. ۴۳؛ صدیقی حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج. ۴، ص. ۳۸۴). هدف از این متاع، گمراهی و افزایش کفر و طغیان در آنان است (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۴، ص. ۲۷۰؛ صدیقی حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج. ۴، ص. ۳۸۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵ش، ۱۷، ص. ۵۳۹). از سوی دیگر، این متاع می‌تواند به معنای «تشدید تکلیف» بر آنان باشد، زیرا اعراض از دنیا در حضور آن و اقبال به خدا، دشوارتر است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۲، ص. ۱۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج. ۷، ص. ۵۹).

نکته‌ای درباره سبب نزول: برخی روایات حاکی از آن است که این آیه در پی درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از یک یهودی برای قرض غذا و امتناع او از قرض دادن بدون گرو و حزن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶، ص. ۱۷۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۴، ص. ۲۷۰؛ طوسی، [بی تا]، ج. ۷، ص. ۲۲۴؛ ماوردی، [بی تا]، ج. ۳، ص. ۴۳۳؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، ج. ۷، ص. ۴۷۱۹؛ صدیقی حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج. ۴، ص. ۳۸۴؛ کشاف، ۱۴۲۴ق، ج. ۵، ص. ۲۵۴؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۱۹، ص. ۲۲۷). اما برخی مفسران این روایت را با توجه به مکی بودن سوره طه و مدنی بودن این واقعه، معترض می‌دانند و بر این باورند که آیه متناسب با آیات قبل است و هدف آن نهی از اعجاب به اموال کفار و صبر بر اقوال آنان است (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۷۳؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج. ۷، ص. ۴۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۳، ص. ۹۷). با این حال، حتی اگر این سبب نزول صحیح نباشد، مثال خوبی برای تبیین مفهوم آیه است (کشاف، ۱۴۲۴ق، ج. ۵، ص. ۲۵۴).

دستاوردهای تربیتی الگوی ترکیبی

الگوی ترکیبی مدّ العینین و رزق ربّانی به دستاوردهای تربیتی مهمی منجر می‌شود:

تحقق طمأنینه نفس و هدوء البال در سایه رضایت و اعتماد به پروردگار: هنگامی که انسان از حسرت و طمع نسبت به داشته‌های دیگران باز می‌ایستد (مَدَّ العینین) و به رزق و تقدیر الهی راضی می‌شود (رزق ربّانی)، به آرامش درونی دست می‌یابد (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج. ۳، ص. ۲۴۵). پیامبر ﷺ فرمودند: من لم يتعز بعزاء الله تقطعت نفسه على الدنيا حسرات، و من اتبع بصره ما في أيدي الناس طال همه و لم يشف غيظه، و من لم يعرف أن لله عليه نعمة إلا في مطعم أو في مشرب قصر أجله و دنی عذابه (قمی، ۱۳۶۳ش، ج. ۲، ص. ۶۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج. ۷، ص. ۵۹). این حدیث به وضوح نشان می‌دهد که عدم چشم‌دوختن به آنچه در دست مردم است و رضایت به قناعت، باعث آرامش و دوری از غیظ و حسرت می‌شود. همچنین، برخی مفسران «رزق ربّانی» را به قناعت تعبیر کرده‌اند که منجر به سعادت می‌شود (ماوردی، [بی‌تا]، ج. ۳، ص. ۴۳۳؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج. ۳، ص. ۱۰۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج. ۸، ص. ۵۹۰).

حصول زهد حقیقی (نه زهد افراطی) و عدم تأثر از نوسانات دنیوی: این الگو به زهد حقیقی دعوت می‌کند (میدانی، ۱۳۶۱ش، ج. ۸، ص. ۲۴۳)، نه زهدی که به معنای دوری کامل از دنیا باشد (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ۱۵، ص. ۲۰۱). بلکه هدف، عدم دلبستگی افراطی به دنیا و درک ماهیت زودگذر آن است (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ۱۵، ص. ۱۹۸). همان‌طور که در آیه آمده، متاع دنیا زهرة الحياة الدنيا است؛ یعنی زیبایی و شکوفه‌ای زودگذر که مانند گل‌ها به سرعت پژمرده و نابود می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۱۹، ص. ۲۲۷؛ امثل، ۱۴۲۱ق، ج. ۱۰، ص. ۱۱۱؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ۱۵، ص. ۱۹۷). این درک، انسان را در برابر نوسانات دنیوی مقاوم می‌سازد و اجازه نمی‌دهد که فقدان برخی امکانات مادی، او را به حسرت و غم دچار کند.

هدایت به سوی زندگی متوازن و عاری از افراط و تفریط در تعامل با دنیا: این الگوی تربیتی، به جای منع مطلق از دنیا، به توازن در تعامل با آن فرا می‌خواند (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج. ۱۵، ص. ۲۰۱). هدف این نیست که انسان از مباحج و طبیات دنیا دوری کند، بلکه باید با دیدی واقع‌بینانه به آن بنگرد و آن را صرفاً ابزاری برای رسیدن به آخرت بدانند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج. ۷، ص. ۲۱۳). این توازن به معنای قناعت

به رزق الهی و عدم اشتغال به دنیا و ترک عمل برای آخرت است (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج. ۱۶، ص. ۳۰۶). در واقع، انسان باید به اندازه‌ای از دنیا بهره‌مند شود که زندگی‌اش را اصلاح کند و او را در مسیر بندگی یاری رساند (حقانی برسوی، [بی‌تا]، ج. ۵، ص. ۴۴۶).

تأکید بر ارزش‌های پایدار و معنوی به جای جاذبه‌های زودگذر مادی: آیه صراحتاً بیان می‌کند که و رزق ربّک خیرٌ و اُبقى (طه، ص. ۱۳۱). این رزق، می‌تواند شامل نبوت، رسالت، توحید، ایمان (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج. ۷، ص. ۴۱)، ثواب آخرت (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۴، ص. ۲۷۰؛ طوسی، [بی‌تا]، ج. ۷، ص. ۲۲۴؛ ماوردی، [بی‌تا]، ج. ۳، ص. ۴۳۳؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، ج. ۷، ص. ۴۷۱۹؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج. ۶، ص. ۵۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج. ۸، ص. ۵۹۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۴، ص. ۲۳۸؛ صدیقی حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج. ۴، ص. ۳۸۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵ش، ۱۷، ص. ۵۳۹)، و حتی قناعت باشد (ماوردی، [بی‌تا]، ج. ۳، ص. ۴۳۳؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج. ۳، ص. ۱۰۷). این تأکید بر ارزش‌های پایدار، انسان را از غرق شدن در جاذبه‌های مادی و زودگذر دنیوی باز می‌دارد و او را به سوی آنچه ماندگار و ارزشمند است، سوق می‌دهد (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج. ۸، ص. ۲۰۹).

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی چالش دلبستگی به دنیا و ارائه راهکار تربیتی قرآنی، با تأکید بر دو مفهوم کلیدی «مَدّ العینین» و «رزق ربّانی» پرداخت. یافته‌ها نشان می‌دهد که دلبستگی به دنیا در قرآن کریم به مثابه‌ی «زهرة الحياة الدنيا» - زینت و بهجت زودگذر زندگی - معرفی شده که هدف از آن، آزمایش و ابتلا است. این دلبستگی ریشه‌ای عمیق در نگاه‌های آرزومندانه و همراه با حسرت به ظواهر دنیوی دارد، نگاهی که در مفهوم «مَدّ العینین» تبلور می‌یابد و دروازه‌ای برای ورود فتنه‌های دنیوی به قلب و ذهن انسان محسوب می‌شود. پیامبر ﷺ تأکید کرده‌اند که کسی که چشمش را به آنچه در دست مردم است بدوزد، غمش طولانی می‌شود و خشمش فرو نمی‌نشیند.

برای مقابله با این چالش، قرآن کریم الگویی هم‌افزا ارائه می‌دهد که در آن، «مَدّ العینین» نقشی

پیشگیرانه ایفا می‌کند. نهی از طولانی کردن نگاه به زینت‌های دنیوی، از رسوخ جاذبه‌های مادی و ورود حسرت به قلب جلوگیری می‌کند. این نهی، فرد را از تأثیرپذیری از تجملات و ثروت دیگران بازمی‌دارد و به سمت رضایت و قناعت سوق می‌دهد. در کنار این جنبه‌ی پیشگیرانه، مفهوم «رزق ربّانی» به عنوان جنبه‌ای ایجاد و مکمل عمل می‌کند. «رزق ربّانی» شامل آنچه خداوند در آخرت برای انسان ذخیره کرده، یا هدایت و نبوتی است که به او ارزانی داشته، و همچنین قناعت به آنچه در اختیار است، می‌شود. این رزق، بهتر و پایدارتر از متاع دنیوی است. این مفهوم، قلب انسان را با ارزش‌های پایدار و معنوی پر می‌کند و او را به سوی آرامش، اطمینان و رضایت واقعی سوق می‌دهد. انسجام و اثربخشی این الگوی تربیتی، در هم‌افزایی دو مفهوم مَدّ العینین و رزق ربّانی نهفته است. مَدّ العینین با کنترل نگاه، از ورود آلودگی‌ها و جاذبه‌های دنیوی به قلب جلوگیری می‌کند. رزق ربّانی نیز با پر کردن قلب از ارزش‌های پایدار و معنوی، آن را در برابر نوسانات دنیوی مقاوم می‌سازد و به طمأنینه و رضایت الهی می‌رساند. این الگو به تحقق طمأنینه نفس و هدوء البال در سایه رضایت و اعتماد به پروردگار می‌انجامد. همچنین، به حصول زهد حقیقی — نه زهد افراطی — و عدم تأثر از نوسانات دنیوی کمک می‌کند. این رویکرد، فرد را به سوی زندگی متوازن و عاری از افراط و تفریط در تعامل با دنیا هدایت می‌کند و بر ارزش‌های پایدار و معنوی به جای جاذبه‌های زودگذر مادی تأکید می‌ورزد. در مجموع، این دو مفهوم با هم، نه تنها با علائم دلبستگی مبارزه می‌کنند، بلکه ریشه‌های آن را هدف قرار داده و به تربیت جامع انسان در برابر فتنه‌های دنیوی یاری می‌رسانند.

منابع

قرآن کریم.

ابن عاشور، محمد طاهر. ١٤٢٠ق. تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. ٣٠ جلد. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.

ابن عباس، عبدالله بن عباس. [بی تا]. تفسیر ابن عباس. ص ٢٦٨.

ابن عربی، محمد بن علی. ١٤٢٢ق. تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق). ٢ جلد. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. ١٤٢٢ق. المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. ٦ جلد. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

ابوالسعود، محمد بن محمد. ١٩٨٣م. تفسیر أی السعود (إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم). ٩ جلد. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ألوسی، محمود بن عبدالله. ١٤١٥ق. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. ١٦ جلد. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. ١٤١٨ق. أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی). ٥ جلد. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

تستری، سهل بن عبدالله. ١٤٢٣ق. تفسیر التستری. ١ جلد. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

خطیب، عبدالکریم. ١٤٢٤ق. التفسیر القرآنی للقرآن. ١٦ جلد. بیروت: دار الفکر العربی.

دروزه، محمد عزه. ١٤٢١ق. التفسیر الحديث: ترتیب السور حسب النزول. ١٠ جلد. بیروت: دار الغرب الإسلامی.

دینوری، عبدالله بن محمد. ١٤٢٤ق. تفسیر ابن وهب المسمى الواضح فی تفسیر القرآن کریم. ٢ جلد. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

زحیلی، وهبه. ١٤١١ق. التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج. ٣٢ جلد. دمشق: دار الفکر.

زمخشري، محمود بن عمر. ١٤٠٧ق. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. ٤ جلد. بیروت: دار الکتب العربی.

- سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۳۹۵ش. منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین. ۱۷ جلد. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبزواری، محمد. ۱۴۰۶ق. الجدید فی تفسیر القرآن المجید. ۷ جلد. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صادقی تهرانی، محمد. ۱۴۰۶ق. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة. ۳۰ جلد. قم: فرهنگ اسلامی.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق. ۱۴۲۰ق. فتح البیان فی مقاصد القرآن. ۷ جلد. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- طباطبائی، محمدحسین. ۱۳۹۰ق. المیزان فی تفسیر القرآن. ۲۰ جلد. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. ۲۰۰۸م. التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی). ۶ جلد. اربد: دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ۱۰ جلد. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق. جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). ۳۰ جلد. بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. [بی تا]. التبیان فی تفسیر القرآن. ۱۰ جلد. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). ۳۲ جلد. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فضل الله، محمد حسین. ۱۴۱۹ق. من وحی القرآن. ۲۵ جلد. بیروت: دار الملائک.
- قشیری، عبدالکریم بن هوزن. ۲۰۰۰م. لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم. ۳ جلد. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- قمی، علی بن ابراهیم. ۱۳۶۳ش. تفسیر القمی. ۲ جلد. قم: دار الكتاب.
- کاشف، محمد جواد. ۱۴۲۴ق. التفسیر الکاشف. ۷ جلد. قم: دار الكتاب الإسلامی.
- ماتریدی، محمد بن محمد. ۱۴۲۶ق. تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی). ۱۰ جلد. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- ماوردی، علی بن محمد. [بی تا]. النکت و العیون تفسیر الماوردی. ۶ جلد. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- مدرسی، محمدتقی. ۱۴۱۹ق. من هدی القرآن. ۱۸ جلد. تهران: دار محبی الحسین.

مراغی، احمد مصطفی. [بی تا]. تفسیر المراغی. ۳۰ جلد. بیروت: دار الفکر.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۱ق. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. ۲۰ جلد. قم: مدرسة الإمام علی بن
أبی طالب (علیه السلام).
مکی بن حموش، مکی بن أبی طالب. ۱۴۲۹ق. الهدایة إلى بلوغ النهاية. ۱۳ جلد. شارجه: جامعة الشارقة،
كلية الدراسات العليا و البحث العلمی.
میدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه. ۱۳۶۱ش. معارج التفكير و دقائق التدبیر. ۱۵ جلد. دمشق: دار القلم.
نسفی، عبدالله بن احمد. ۱۴۱۶ق. تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ۴ جلد. بیروت: دار
النفاث.

